



تفسیر نقلی اجتهادی؛ رویکردی برای ارتقای تفسیر روایی

تفسیر روایی که سابق وجود داشته است، تفسیر روایی منهای اجتهاد بوده است؛ اما اگر برای فهم قرآن، روایات را در کنار قرآن قرار دهیم و اجتهاد را هم در کنار آن به کار گیریم، دست به تفسیر نقلی اجتهادی زده‌ایم که جایگاه رفیع‌تری دارد، اما تاکنون چنین عملی به صورت کامل صورت نگرفته است.

تفسیر روایی که سابق وجود داشته است، تفسیر روایی منهای اجتهاد بوده است؛ اما اگر برای فهم قرآن، روایات را در کنار قرآن قرار دهیم و اجتهاد را هم در کنار آن به کار گیریم، دست به تفسیر نقلی اجتهادی زده‌ایم که جایگاه رفیع‌تری دارد، اما تاکنون چنین عملی به صورت کامل صورت نگرفته است.

حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی رستم‌نژاد، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمیه، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در خصوص ضرورت‌های موجود در جریان تفسیری و آسیب‌هایی که متوجه تفاسیر روایی هستند، گفت: دو جریان عمده در تفسیر، یکی تفسیر نقلی است که متأثر از روایات معصومین (ع) است و در اهل سنت این نوع تفاسیر از روایات غیرمعصوم هم متأثر است. در مقابل از قرن سوم، چهارم به بعد تفسیر اجتهادی هم در اهل سنت و هم در تشیع ظاهر شده که مفسرین دست به اجتهاد می‌زنند. هر دوی این تفاسیر درست و لازم است، اما نکته حائز اهمیت در اینجا این است که امروزه ما باید به تفسیر نقلی اجتهادی نزدیک شویم.

وی افزود: تفسیر روایی که سابق وجود داشته است، تفسیر روایی منهای اجتهاد بوده است، اما اگر ما بیاییم و برای فهم قرآن، روایات را در کنار قرآن قرار دهیم و اجتهاد را هم در کنار آن به کار گیریم، دست به تفسیر نقلی اجتهادی زده‌ایم که تاکنون به صورت کامل صورت نگرفته است. فیض کاشانی هم در تفسیر خود بسیاری از روایات را آورده و تحلیل کرده است، اما به صورت جامع نیست.

رستم‌نژاد با تأکید بر به کارگیری اجتهاد در روایات تفسیری گفت: تلفیق تفسیر روایی و اجتهادی، نوعی تفسیر اثری-اجتهادی را به وجود می‌آورد، مانند فقه که فقها برای استنباط احکام از آیات و روایات اجتهاد می‌کنند. همین کار را ما می‌توانیم در روایات تفسیری انجام دهیم که این کار تا به حال صورت نگرفته است.

وی در ادامه آسیب‌های تفاسیر روایی را مورد توجه قرار داد و گفت: بخشی از آسیب‌هایی که متوجه تفاسیر روایی است، آسیب‌های سندی و بخشی دیگر هم آسیب‌های محتوایی است که هر کدام از این دو برای خود اقسامی دارد؛ مثلاً آسیب سندی شامل فقدان سند، ارسال سند، ضعف سند است. بعضی اوقات مولف کتاب مشخص نیست و بعضی اوقات هم گاهی کتابی به اسم شخص خاصی است، ولی این را نمی‌دانیم که آیا این شخص مولف واقعی این اثر است یا نه؛ همانند تفسیری که منسوب به امام حسن عسکری (ع) است.

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه در ادامه صحبت‌های خود، اضافه کرد: گروه دیگر از اشکالات و آسیب‌های تفاسیر ماثور، آسیب‌های محتوایی هستند که شامل پدیده‌هایی چون جعل و تقطیع است، مثل این که بخشی از روایت را در کتاب آورده که اگر قبل و بعد روایت را نگاه کنیم، می‌بینیم با مطالبی که در کتاب آمده کاملاً تفاوت دارد.

حجت الاسلام رستم‌نژاد در پایان اضافه کرد: البته این آسیب‌ها را متوجه کتاب می‌بینیم، نه متوجه خود روایات. عموماً کتب تفسیری ما دچار این اشکال هستند که این مطلب اصلاً بدان معنا نیست که همه روایات دچار آسیب هستند، بلکه بیان‌گر این است که در کنار انبوه روایات صحیح و متقن، روایات دچار جعل و آسیب هم وجود دارد که نیاز به کار مجتهدانه‌ای دارد تا روایات اصیل و صحیح را بیرون بکشد و این طبیعی است که روایات ما دچار عوارضی باشند که در اینجا وظیفه علما و مفسرین بسیارتر حساس می‌شود.

مسئول تدوین التفسیر الاثری الجامع تالیف آیت الله معرفت (ره) در معرفی این اثر گفت: در التفسیر الاثری الجامع، روایات شیعه و اهل سنت همگی در ذیل یک آیه ذکر، تحلیل و تنقیح می‌شود و روایات به صورت طبقه‌بندی شده، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این اثر به آسیب‌های روایت ذکر شده هم توجه دارد و نظرات شارحان و علما در ذیل روایات هم آورده می‌شود.